

با نام خدا

زبان انگلیسی در برنامه درسی ابتدایی و مساله عدالت، هویت و کیفیت

برای ارائه در همایش برنامه درسی ابتدایی

هفدهمین همایش انجمن مطالعات برنامه درسی

آبان 1399

دانشگاه تهران

بحث اصلی:

آیا آموزش زبان انگلیسی از طریق برنامه درسی رسمی در دوره ابتدایی مخل عدالت است؟ مخل هویت است؟ مخل کیفیت است؟ یعنی سبب تشدید بی عدالتی می شود؟ سبب اخلال در هویت ملی و دینی دانش آموزان می شود؟ سبب افت کیفیت در آموزش ابتدای می شود؟

گرچه پاسخ مثبت به این پرسش ها طرفداران خاص خود را در جامعه ما دارد، اما من بر این باور هستم که اگر با دقت به این پرسش ها بپردازیم خواهیم دید که هیچ رابطه ضروری و منطقی میان سیاست آموزش زبان انگلیسی و مقوله های عدالت، هویت و کیفیت برقرار نیست. گرچه نمی توان منکر ارتباط غیر ضروری و اقتضایی نمی توان شد و باید مراقبت های لازم را برای پیشگیری از برقراری این ارتباط فراهم کرد. از سوی دیگر غفلت از آموزش زبان انگلیسی از دوره دوم ابتدایی به منزله سوزاندن فرصت های فراوان چه در مقیاس ملی و چه در مقیاس فردی است. تسلط به زبان انگلیسی با استانداردهای بین المللی مانند سی ای اف آر باید از جمله اهداف اساسی نظام آموزشی تلقی شود و برای این منظور بر اساس تجربه های موجود باید کار را از دوره دوم ابتدایی به طور رسمی آغاز کرد و حتی آموزش این زبان را جزء مولفه های الزامی برنامه درسی در نظر گرفت (اشاره به مولفه های الزامی، انتخابی و اختیاری و این که در سند تحول زبان های خارجی در ذیل مولفه انتخابی یا نیمه تجویزی در نظر گرفته شده است). در غیر اینصورت تحقق این هدف دست نیافتنی بوده و کشور و دانش آموختگان از بسیاری از مزیت ها و فرصت ها محروم می شوند. یا به عبارت دیگر سیستم آموزشی نوعی معلولیت آکادمیک را به آن ها تحمیل می نماید. بر این اساس می توان آموزش زبان انگلیسی را کاندیدای درجه اول برنامه درسی پوچ آشکار قلمداد کرد. گرچه وضعیت نزدیک به فاجعه ای که در حوزه آموزش زبان فارسی به

عنوان زبان ملی داریم را هم باید در زمره فقرات یا مقوله های **پوچ ضمنی** یا **عقیم** به حساب آورد و درباره آن در پنبلی که امروز برگزار می شود مفصل شرح خواهم داد. در مقام ارایه یک سیاهه اولیه از فرصت سوزی ها و عدم التفات به مزیت های بالقوه در اثر استمرار وضع موجود و غفلت از اتخاذ تصمیم راهبردی گنجاندن زبان انگلیسی در مجموعه حوزه های یادگیری اصلی از دوره دوم ابتدایی به بعد می توان به موارد زیر اشاره کرد:

❖ **کم رنگ شدن امکان حضور دانش آموختگان در بازارهای بین المللی اشتغال در اقتصاد جهانی شده**

❖ **کاسته شدن از امکان حضور فعال و تاثیرگذار در مجامع علمی و حرفه ای بین المللی و چه**

بسا به خطر افتادن منافع ملی از خروجی های محافل سیاستگذار

❖ **کاهش شانس مشارکت در افزودن به اندوخته دانش بشری از طریق به اشتراک گذاشتن**

تجارب شخصی و بومی در شبکه های تخصص بین المللی

❖ **کاسته شدن از ظرفیت بهره برداری از منابع دانشی موجود در اینترنت و پایگاه های اطلاعاتی**

که در تسخیر زبان انگلیسی هستند

داده ها و شواهد چه می گویند؟

○ توزیع زبانی محتوای موجود در اینترنت نشان می دهد ندانستن کدام زبان معلولیت و دانستن کدام زبان ها مزیت است. قریب ۵۵٪ محتوای موجود در اینترنت به زبان انگلیسی است. اگر بخش محتوای تخصصی و علمی را مورد نظر قرار دهیم، این درصد بسیار بالاتر هم می رود (بالای ۹۰ درصد!!!) نام این پدیده را جز "**زبان انگلیسی به مثابه یک زبان جهانی**" چیز دیگری می توان گذاشت؟ زبان انگلیسی را دیگر نمی توان یک زبان متعلق به جوامعی خاص دانست. زبان انگلیسی بعنوان **World's lingua franca** شناخته شده و یک سرمایه مشترک برای آحاد جهانیان محسوب می شود. به تعبیر یکی از صاحب نظران "**در اقتصاد جهانی شده امروز، یادگیری زبان انگلیسی به یک مزیت فرامرزی تبدیل شده است.**" (از گزارش ۲۰۱۷).

○ شاخص توانش زبان انگلیسی (EF EPI)¹، به طور فزاینده، به عنوان منبعی موثق توسط مربیان و مدیران تجارت ها به کار گرفته می شود. ویرایش هشتم این شاخص، بر اساس داده های جمع آوری شده از حدود یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفر از سراسر جهان در سال ۲۰۱۷ می باشد که در آزمون استاندارد زبان انگلیسی این سایت شرکت کردند. مطالعات انجام شده (همچنانکه از فهرست ۸۸ کشور پیداست) همبستگی میان

¹ English Proficiency Index

تسلط به زبان انگلیسی و متغیرهایی مانند درآمد، اتصال به اینترنت، پژوهش علمی و طیفی از متغیرهای دیگر را در طول زمان **strong** و **stable** نشان داده است.

- ایران در این مطالعه رتبه ۶۵ را کسب کرده است و در گزارش عملکرد سال 2019 رتبه 69 در میان 100 کشور. متأسفانه عملکرد ایران در شاخص EPI از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۹ تقریباً همیشه ما را در مرز "ضعیف" و "بسیار ضعیف" قرار داده است. تمام ۵۰ کشور اول از ۸۸ کشور در شاخص سال ۲۰۱۷ EPI، آموزش زبان انگلیسی را از دوره ابتدایی آغاز می کنند!!! کارایی بیشتر آموزش و تامین شرایط معقول تر برای دستیابی به استاندارد منتخب یادگیری نظام آموزشی ایران (B1) یا سطح سوم تسلط از شش سطح بر اساس چارچوب مرجع مشترک برای زبان ها در اروپا یا،،، (CEFR²) گزینه شروع از سن پایین تر (دوره دوم ابتدایی) را موجه می سازد.
- در بر نامه عمل تحول آموزش و پرورش مالزی ۲۰۱۳-۲۰۲۵ که ۱۱ چرخش را مطرح می کند، چرخش شماره بر حصول اطمینان از تسلط هر کودک بر زبان مالایی و زبان انگلیسی اعلام کرده است. حتی آموزش برخی موضوعات یادگیری مانند علوم و ریاضیات به زبان انگلیسی با تاکید ماهاتیر محمد در دستور کار قرار گرفته است.
- با بررسی تغییر و تحولات جهانی در این زمینه می توان نتیجه گرفت که سیاست آغاز آموزش زبان انگلیسی از دوره ابتدایی به یک روند تبدیل شده. مثلاً چین از سال 2001 به صورت آزمایشی و از سال 2011 به صورت قطعی آموزش زبان انگلیسی از پایه سوم ابتدایی را در دستور کار قرار داده. (Zhang 2012)

پس یک بحث جدی و راهبردی در حوزه سیاستگذاری زبانی در کشور است و به عنوان عضو شورای عالی آموزش و پرورش معتقدم که می توان به دنبال احیاء مصوبه قبلی این مرجع سیاستگذار آموزشی بود. مصوبه جلسه ۷۰۸ مورخ ۱۳۸۳/۴/۳۰ که بسیار احتیاط آمیز هم بود (اجرای آموزشی و در حداقل مناطق آموزشی با تمرکز بر متغیرهای تاثیر فرهنگی و همچنین یادگیری زبان فارسی) به دلایلی که همه می دانیم ابلاغ نشد و مسکوت ماند. در این زمینه نباید راه را بر گفتگو و هم اندیشی بست.

² Common European Frame of Reference for Languages: Learning, Teaching and Assessment

با نگرانی یا دغدغه فرهنگ و بسط "امپریالیسم زبانی" چه باید بکنیم؟

سودمندی و کارایی زبان انگلیسی در عرصه های گوناگون اعم از علمی، صنعتی و تجاری که بنا به شواهد و آمارهای موجود زبان انگلیسی در مرتبه بسیار قابل دفاع تری قرارداد و لذا تلاش نظام آموزش و پرورش برای تعمیم آموزش این زبان (اگر اساسا بتوانیم یک تصمیم تلقی کنیم) تصمیمی کاملا "منطقی" و "طبیعی" است. در این مورد نباید نزد صاحب نظران اختلاف چندان وجود داشته باشد.

...من برای نگرانی فرهنگی و جاهت و موضوعیت قایل هستم. اما بر این باور نیز هستم که از این نگرانی نباید غولی بسازیم که از خوف آن از آموزش زبان انگلیسی فرار کنیم با سیاستگذاران آموزشی ما باصطلاح به "فوبیا" یا ترس بیمارگونه مبتلا شوند. مدیریت پذیر دانستن وجوه فرهنگی زبان انگلیسی چاره کار است و در این زمینه اگر نتوانیم توفیق کامل بدست آوریم توفیق نسبی در دسترس بوده و هست.

اول: وقتی مفهوم امپریالیسم زبانی که توسط طرفداران رویکرد انتقادی به آموزش زبان خارجی مطرح شده است به جنبه "طبیعی" امور و پدیده ها (در برابر جنبه مهندسی شده و پروژه ای) توجه نکند، مانند این می ماند که صحبت از فراگیر شدن یا امپریالیسم رانندگی بکنیم!!! صحبت از امپریالیسم استفاده از اینترنت بکنیم و ...!!! همه این ها بدلیل فراگیر شدن و توجه نکردن به اتفاقات طبیعی مقتضی زمان می تواند نوعی امپریالیسم و توطئه تلقی شود.

دوم: با حسن استفاده و با الهام از "رویکرد انتقادی" و پرهیز از رویکرد "لیبرالی" به آموزش باید اقداماتی مانند ارتقاء کیفیت و کارایی آموزش زبان فارسی (تاکید بر "آگاهی زبانی فارسی") و همچنین تاکید بر "آگاهی زبانی انگلیسی" با توجه به عوارض فرهنگی ناخواسته با تمرکز بر تولید و تدوین کتاب ها و منابع ویژه آموزشی داشته باشیم.

سوم: اما نکته اساسی درباره نگرانی فرهنگی را هنوز متذکر نشده ام. و آن نکته این است که مگر فقط زبان انگلیسی است که حامل بار فرهنگی خاص خود است که ما با تحدید آموزش زبان خارجی می خواهیم آثار سوء فرهنگی آن را مهار کنیم؟ این نگرانی درباره زبان های خارجی دیگر مطرح نیست؟ مثلا زبان آلمانی یا فرانسه یا روسی یا اسپانیایی از نظر فرهنگی سازگاری بیشتری با فرهنگ ما دارند؟! "زبان ما" بقول متفکران زبان شناسی و فیلسوفان زبان، سازنده "جهان ما" یا "خانه وجود ما" هستند و در این خصوصیت و ربط ژرف همه زبان ها مشترکند.

پس اگر سیاستگذاران نظام آموزشی ما قایل به "مدیریت پذیر نبودن" نگرانی های فرهنگی مربوط به ترویج زبان های خارجی باشند، لاجرم به بن بست تعطیل آموزش "همه زبان های خارجی" می رسیم. چون تمام زبان ها حامل فرهنگ و جهان بینی خاص خود هستند. التفات به این بعد از نگرانی ها تا جایی موضوعیت دارد که به نتیجه وحشتناک تعطیلی منجر نشود. و این یعنی با تدبیر تلاش کنیم حساسیت های فرهنگی را نیز در مخاطب بالا ببریم و با قوت به آموزش زبان خارجی مورد نظر ادامه دهیم .

چهارم: اکنون این پرسش قابل طرح است که منهای دغدغه های فرهنگی (که به نوعی سرش را به بالین نهادیم)، چرا حساسیت های ویژه ای نسبت به ترویج آموزش زبان انگلیسی باید داشته باشیم؟ چرا ترویج این زبان را نباید طبیعی ترین اتفاق در نظام آموزشی بدانیم و در جهت بهبود کیفیت آن هرچه می توانیم انجام ندهیم؟

من گمان می کنم در این نگاه سایه سیاسی بر سایه فرهنگی غلبه می کند. بدین معنا که به نظر می رسد ما چون با نظام سیاسی کشورهایی که گویشوران آن به زبان انگلیسی سخن می گویند در وضعیت تعارض و چالش مزمن تاریخی قرار داریم و همواره یاد مصائبی که برای ملت ما درست کرده اند هستیم، نگرانی یا دشمنی را به زبان آنها هم تسری می دهیم. تلاقی سیاست با سیاستگذاری های آموزشی و تربیتی گرچه در برخی موارد قابل توجیه است، اما این شکل از مداخله سیاست در این حوزه آموزشی، ما را به نتیجه درست و مسئولانه ای رهنمون نمی شود .

سن یا دوره تحصیلی بهینه شروع برای دستیابی به شایستگی های مورد نظر در آموزش و پرورش ایران چیست؟

- ❖ However, only early language learners (those learners who learned a second language during childhood years) seem to be capable of ultimate attainment which makes them indistinguishable from first language learners. The **pre-puberty** period which is conducive to native second language attainment is known as the **sensitive period for second language learning**. Over the last years, the hypothesis that second language learning in young children is fundamentally different from second language learning in adults found support from **studies of the human brain**. Some recent studies that compare neurological processes in children and adults second

language learners are discussed below. A Second Language in the Brain of Young Children

Source:

Teaching Young Children a Second Language, Pp52_53

Tatiana Gordon

- ❖ Studies are **inconclusive** about the best age to start learning a second language, although they generally agree on one thing—**the sooner the better**.
Up until the late 90s, many parents believed that teaching their children a second language from a very young age would lead to confusion and mental development delays.
In fact, as late as 1999, a [paper](#) was published that claimed teaching your children a second language too soon would result in **double “semi-lingualism.”** That’s to say, your child speaking two languages equally badly.
They would never develop the full proficiency of their classmates because they would be trying to master two languages at once. According to this study, the best age to start learning a second language was at around 11-13 years, when the brain was further developed.
This fear is thought today to be largely unfounded and, in fact, the opposite has been revealed to be true. **The later you leave learning a second language, the lower the child’s chance of achieving full fluency in two tongues.**
<https://www.daytranslations.com/blog/age-for-second-language/>

نتیجه گیری:

...باید از خط قرمز های موهوم عبور کنیم و برای تامین منافع ملی شهامت دست زدن به تغییرات را داشته باشیم (متاسفانه مصوبه شورای عالی و تو می شود!!!)

آموزش زبان انگلیسی در دوره ابتدایی پس از طی مراحل آزمایشی باید جزو اولویت های تحول در دوره ابتدایی باشد و جایگاه آن هم از یک حوزه انتخابی یا نیمه تجویزی باید به الزامی یا تجویزی تغییر (ارتقاء) پیدا کند.

آیا سن / دوره تحصیلی شروع تنها عامل تعیین کننده است؟

قطعا خیر. رویکرد، روش ها و فرصت های یادگیری از عوامل بسیار مهم است... کشاندن موضوع به دوره ابتدایی تنها ظرف ما را از گنجایش بیشتری برخوردار می کند. آنچه در نهایت موفقیت را تضمین می کند، ظرف و مظلوف هستند. از تکنولوژی جدید برای فراگیر کردن آموزش زبان انگلیسی با کیفیت مورد نظر باید نهایت استفاده را بعمل آورد .

تجربیات جهانی هم موید همین معناست. ۵۰ کشور اول شاخص EPI که به آن اشاره شده و آموزش زبان انگلیسی را از ابتدایی آغاز می کنند(بجز ژاپن و ویتنام) ، همگی در رده مطلوب نیستند. توزیع آنها بدین شرح است:

بسیار قوی: تا ردیف ۸ که همه اروپایی هستند.

قوی: ۹ تا ۲۱ که بجز مالزی و فیلیپین همه اروپایی هستند

متوسط: ۲۲ تا ۳۵ با ترکیبی از کشورهای اروپایی، آمریکای لاتین و آسیایی که ویتنام را هم شامل می شود.

ضعیف: ۳۶ تا ۵۰ که چین و ژاپن و روسیه و مکزیک را هم شامل می شود.

این تحلیل خود نشان می دهد که شروع از دوره ابتدایی شرط لازم و کافی نیست.

در ایران هم برای این منظور سرمایه گذاری لازم است. خصوصا برای فراگیر ساختن آموزش منطبق با استاندارد های کیفی تا آموزش زبان انگلیسی سبب بیعدالتی و تعمیق شکاف طبقاتی نشود که بازهم

بر استفاده از تکنولوژی برای تکثیر برنامه ها و فرصت های یادگیری مرغوب تاکید می شود.